

جستنی صفحه ۶۶

۱. در بیت «آمد آن شکرگزاریش به گوش / گفت کای پیر خرف گشته خموش» ضمیر سوم شخص «ش» جا به جا شده است و پس از مرتب سازی به این شکل نوشته می شود: «آن شکرگزاری به گوشش آمد» ← آن شکرگزاری به گوش او رسید»

۲. بیت دهم: «عزت از خواری نشناخته ای / عمر در خارکشی باخته ای»

بازگردانی: نمی دانی و هنوز فرق عزت را از خواری تشخیص نمی دهی / ...

پس از بازگردانی فعل «نمی دانی» به معنی اضافه می شود.

نوشتنی صفحه ۶۶

بیت ۱۲: کی فلان چاشت بده یا شامم / نان و آبی که خورم و آشامم

برای اینکه وزن شعر رعایت شود باید مصرع دوم را به این گونه خواند: ... / نان و آبی که خورم و آشامم»

اندیشیدنی صفحه ۶۶

ز گوهر سفتن استادان هراسند / که قیمت مندی گوهر شناسند

استادان ماهری که قیمت و ارزش مروارید را می دانند در هنگام سوراخ کردن مروارید می ترسند و احتیاط می کنند.

نبینی وقت سفتن، مرد حگاک / به شاگردان دهد دُرّ خطرناک؟

آیا نمی بینی که جواهرتراش هنگام سوراخ کردن مرواریدها، آن ها را به شاگردان نمی دهد؟ (کی دیده ای که جواهرتراش، سوراخ کردن مرواریدهای ارزشمند و گران بها را به شاگردان بسپارد؟)

معنا و مفهوم این دو بیت این است: «استادان جواهرتراش، سوراخ کردن مرواریدهای گران بها را به شاگردان تازه کار نمی سپارند.»

## خواندنی صفحه ۶۷

دانش‌آموزان عزیز، حکایت صفحه ۶۷ کتاب فارسی تکمیلی، از گلستان سعدی را با توجه به توضیحات پاورقی بخوانید و به توضیحات فیلم آموزشی توجه کنید.

## اندیشیدنی صفحه ۶۷

این داستان کوتاه حکایت سیزدهم از باب سوم گلستان سعدی است که درباره ی قناعت خارکنی است که حاضر نشد برای لقمه ای غذا، زیر بار منت حاتم طایی برود. (در فضیلت قناعت)

## دانستنی صفحه ۶۸-۶۹

فرهنگ بزرگ سخن (۳) ← (لطفاً مطالعه و به توضیحات فیلم آموزشی مراجعه شود).

## اندیشیدنی صفحه ۷۰

۱. صفحه ۶۳ وزارتتی: «**تو ماهی ات را بگیر**». در این جمله فعل «**بگیر**» با معنای اول از معانی «**گرفتن**» در فرهنگ بزرگ سخن هم خوانی دارد؛ یعنی: «**با دست یا وسیله ای کسی یا چیزی را نگه داشتن**»

۲. تو هم ما را گرفته ای ها! **معنای ۱۷**: در وضع یا حالت خاص قرار دادن کسی یا چیزی.

پایم بدجوری گرفته بود. **معنای ۱۸**: مبتلا شدن به بیماری یا وضعی ناگوار.

وقتی برمی گردی؛ از بقالی ماست بگیر. **معنای ۲۸**: خریدن.

گیرم تقصیر او بود؛ تو چرا کوتاه نیامدی؟ **معنای ۲۳**: فرض کردن و پنداشتن.

از بس که غذا خوردم؛ دل درد گرفتم. **معنای ۱۸**: مبتلا شدن به بیماری یا وضعی ناگوار.

گویا هنوز موضوع را نگرفته ای. **معنای ۵**: اقتباس کردن.

غلط های املایی این نوشته را بگیر. **معنای ۲۰**: چیز زاید یا زدودنی را از بین بردن یا برداشتن.